

در این سری از برنامه از شاعر، مداح، ذاکر و منبری گرفته

تا راننده تاکسی، دکتر، بازرگان، پارکبان، معلم، باتری‌ساز و... هم داریم

تنها نکته ما این است که از چهره‌های سیاسی استفاده نمی‌کنیم و سلبریتی‌ها

هم به همان اندازه که گفتیم حضور دارند، چرا که ما دنبال حاشیه نیستیم



## چند و چون قابی بدون مجری

اجرای این برنامه و این که چرا مجری جلو دوربین نیست هم از مواردی بود که پرواس درباره‌اش گفت: در این سری هم گفت‌وگو توسط من شکل می‌گیرد. من نه صدای عجیبی دارم و نه به خودم مجری می‌گویم. درس این حوزه را خواندم اما با آدم‌های توانمند این فضا جلسه گذاشتم و کسب تجربه کردم. من تهیه‌کننده بودم و هستم و در فضاهای مختلفی کار کردم که اغلب به دغدغه من در حوزه فرهنگی و اجتماعی مربوط می‌شود. این بار هم در سری جدید با حسین (ع) حرف بزن، با توجه به همان نگاهی که از آن گفتم، حضور خواهم داشت.

او ادامه داد: علت این که مجری در کادر نیست، این است که ما کاری به آدم دیگری نداریم. در واقع مهمان که روی صندلی می‌نشیند کسی جز خودش و دکور نمی‌بیند. از من هم در پشت صحنه بیشتر چشم‌هایم را می‌بیند. چرا؟ چون نمی‌خواهیم حواسش پرت شود. ما درباره حضور امام حسین (ع) حرف می‌زنیم و باید این شأن را حفظ کنیم. فضا باید آرام باشد وقتی درباره خلوت صحبت می‌کنیم و باید این خلوت ایجاد شود. حس درآرامش شکل می‌گیرد. مخاطب حتی باید وقتی در خانه نشسته و در حال تماشای برنامه است، بتواند گاهی چشمش را ببندد و خودش را در آن موقعیت قرار دهد، بی آن که چیزی از دست بدهد. ما به دنبال این که مجری چه شکلی است، چه می‌پوشد و... نیستیم. در این بین من سعی کردم که مدل ادبیاتم از جنس مردم باشد نه تداعی‌کننده لحن مجریان سازمان و...

## چه کسانی را می‌بینیم؟

انتخاب مهمان‌های این سری از با حسین (ع) حرف بزن و حفظ تنوع آن هم از موضوعاتی است که جای صحبت بسیار دارد؛ اتفاقی که تهیه‌کننده این برنامه درباره‌اش یادآور شد: بنای ما این است همیشه سراغ مهمان‌های متفاوت برویم و این اتفاق هم در حال رخ دادن است. تلاش‌مان این است تا از چهره‌ها استفاده نکنیم نه به این معنا که با آنها زاویه‌ای داریم بلکه از این نظر که آنها قسمتی از جامعه هستند. چرا که اصلاً خودتان بگویید، مثلاً زمانی که از میدان بهارستان به سمت میدان تجریش می‌آییم چند خواننده، بازیگر یا چهره سیاسی می‌بینیم؟ ما در حال صحبت از جامعه هستیم، این که در همان مسیر چند بچه، جوان، پیر، خیاط و... می‌بینیم. همان قدر که چهره‌ای را در خیابان می‌بینید و می‌گویید که فلانی را دیدم، در این برنامه هم همان قدر و به همان ندرت با چهره‌ها مواجه می‌شوید. ما دنبال داستان‌های ویژه آدم‌ها هم نیستیم و آن ارتباط متفاوت با امام حسین (ع) است که اهمیت دارد. در این بین حتی به دنبال قصه‌ها هم نیستیم چرا که قصه هم معمولاً در برنامه پیش می‌آید. در این سری هم از شاعر، مداح، ذاکر و منبری گرفته تا راننده تاکسی، دکتر، بازرگان، پارکبان، معلم، باتری‌ساز و... هم داریم. تنها نکته ما این است که از چهره‌های سیاسی استفاده نمی‌کنیم و سلبریتی‌ها هم به همان اندازه که گفتیم حضور دارند، چرا که ما دنبال حاشیه نیستیم.

## تلاش برای شکستن کلیشه‌ها و راهی که ادامه دارد

و اما این که در اغلب برنامه‌ها خیلی از مهمان‌ها درگیر احساسات درونی‌شان می‌شوند و خیلی وقت‌ها اشک می‌ریزند، روندی که انگار یک خط ثابت راطی می‌کند. از پرواس پرسیدیم برای پرهیز از کلیشه‌ای شدن این فضا، حواس‌شان به چه مواردی بود و هست؟ چون حتی همین روند یکنواخت هم خیلی اوقات دلنشین است. او در پاسخ به این سؤال گفت:

ما از این که مهمانان درگیر احساس‌شان می‌شوند نه خوشحال می‌شویم و نه ناراحت. همان طور که گفتیم قرار نیست اتفاق ویژه‌ای بیفتد که حتماً در خلوت‌مان با امام حسین (ع) گریه کنیم. مثلاً مهمانی داریم که با امام حسین (ع) قهر و از ایشان شاکی بود. با هم حرف زدیم و نکاتش را گفت. مهمانی هم هست که تا اسم امام حسین (ع) می‌آید، اشک می‌ریزد. در واقع بنای ما تولید گریه نیست بلکه بنا داریم تا نحوه ارتباط مردم با امام حسین (ع) را منعکس کنیم. سعی‌مان را هم می‌کنیم کلیشه نشود و همیشه خواستیم تا ذهن‌مان را هم از این تکرار خارج کنیم. بخشی از این جریان به واسطه تنوع نگاه‌ها رخ داده؛ اتفاقی که آن را خواهید دید. در آخر هم صحبت از ادامه‌دار بودن این قصه شد؛ جریانی که او با اشاره به ظرفیت این جریان خاطر نشان کرد: تا جایی که این ارتباط و انعکاس آن حرف تازه‌ای داشته باشد، این برنامه هم می‌تواند ادامه پیدا کند. ما همین امسال هم مردد بودیم که تا چه حد این حرف تازه را داریم و زمانی که در اتاق فکرها پیش رفتیم به این نتیجه رسیدیم که هنوز هم حرف هست. این که علاقه‌مندی با همه اهمیتی که در رابطه دارد، فقط دوست داشتن نیست. تا زمانی هم که نکته تازه‌ای برای گفتن از آن داشته باشیم و امام حسین (ع) هم بخواهد ما وسیله‌ای برای شکل دادن این جریان باشیم، با حسین (ع) حرف بزن هم هست و می‌تواند روی آنتن برود. در آخر تأکید می‌کنم فرم خلوت جذاب است و همین باعث می‌شود آدم‌ها در این فضا خودشان و آن ارتباط قلبی را بهر پدیداکندند.

بزن



## قالب ثابتی برای حرف زدن با امام حسین (ع) نداریم

نکته‌ای که وجود دارد این است که در عزاداری‌ها اغلب اشک می‌ریزیم یا دعا می‌خوانیم؛ در واقع جای بیان احساسات درونی آدم‌ها به امام حسین (ع) همیشه خالی بوده؛ پرواس در خصوص این که «با حسین حرف بزن» چقدر به کمک این احوال و قلب‌مان آمده؟ هم عنوان کرد: آنچه من درک می‌کنم این است که در ارتباط با خدا و امامان لازم نیست اتفاق ویژه‌ای بیفتد. این به آن معنا نیست که آموزه‌ها درست نیست بلکه صحبت این است که مثل وقتی ما پدر و مادرمان را دوست داریم به سبک و سیاق خودمان با آنها ارتباط می‌گیریم، یکی می‌گوید پدر، یکی اسم‌شان را صدا می‌زند و هرکس به شکلی این جریان را پیش می‌برد. در این بین ما اجازه نداریم به رفیق‌مان بگوییم چرا با پدرت این طور هستی، آنها جنس ارتباط را خودشان تعیین می‌کنند. از همین رو درست نیست فرمی را برای حرف زدن با امام حسین (ع) قرار بدهیم و بگوییم غیر از آن اشتباه است! اصلاً خود ائمه با خدا چطور ارتباط می‌گرفتند؟ پس صحیفه سجاده، دعای عرفه و خیلی موارد دیگر این چنینی که هر کدام لحن و شیوه‌ای برای حرف زدن با خدا دارند، چه؟ اینها انواع مدل‌های ارتباطی است که نشان می‌دهد هرکس به طریقی حرف دلش را می‌تواند بزند. ما تلاش کردیم تا همین را بگوییم، این که منبر و روضه شکلی از ارتباط است و راه‌های دیگری هم داریم. اتفاقی که وجود دارد این است که اگر من متن صحیفه سجاده را نفهمم با آن ارتباط نمی‌گیرم، با حسین (ع) حرف بزن هم می‌خواهد این ارتباط را سمت خلوتی ببرد که بگوید آقا امام حسین (ع) یک دوست و همراه و کسی است که نارو نمی‌زند. شمای مخاطب هم بیا و این انسان را کمی حسش کن، حتی نمی‌خواهد او را بشناسی و کتاب‌ها درباره‌اش بخوانی. در یک کلام من احساس می‌کنم محبت رمز اصلی هر ارتباطی است؛ یعنی با محبت ارتباط شکل می‌گیرد و بعد تبدیل به شناخت می‌شود. اصلاً راه ورود به اتفاقاتی که خدا و پیامبر هم از ما می‌خواهند، محبت و اکسیر محبت امام حسین (ع) است. سعی ما هم این بوده تا آن محبت را به شکلی به مخاطب بچشانیم آن قدر که همان زمان که در حال تماشای برنامه است یک دفعه با خودش بگوید من چقدر شبیه فلان مهمان این برنامه‌ام و بعد هم دوستش داشته باشد و با آن ارتباط بگیرد.

